



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
انجمن حقوق انسان الاسلامیه فی ایران



جنگِ وِرایِ هر گونه مجوزِ حقوقی:

حقوق بین‌الملل و ارزیابی میزان قانونی بودن مخاصمه مسلحانه علیه ایران در سال ۲۰۲۶

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

بهار ۱۴۰۵

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

در قبال تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران در اسفند ماه ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵، در سطح جهانی واکنش‌های گسترده‌ای نزد ملت‌های مختلف شکل گرفت. این واکنش‌ها در مواردی مشابه بازتاب‌های پس از تجاوز ۱۲ روزه به ایران بود و در مواردی، نمودهای برجسته‌تر داشت به ویژه که در این تجاوز جدید علاوه بر ترور عالی‌ترین مقام ایران، برخی جنایات غیر انسانی همانند هدف قرار دادن مدرسه شجره طیبه میناب و به شهادت رساندن قریب به ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان و معلمان و کادر اداری مدرسه، هدف قرار دادن ورزشگاه و خانه‌های مردم در لامرد با بمب‌های خاص دارای آثار ضد انسانی گسترده، هدف قرار دادن ده‌ها مدرسه، دانشگاه، ورزشگاه، مرکز درمانی، آثار میراث فرهنگی و دیگر زیرساخت‌های مردمی ایران و هم‌چنین شهادت بیش از سه هزار شهروند بیگناه ایرانی توجه جهانی را بیشتر به خود جلب کرد. اظهار نظرهای خود ترامپ در خلال جنگ رمضان و هفته‌های پس از آن نیز مزید بر علت شد تا جهانیان بهتر دریابند که وی از ارتکاب هر گونه جنایتی ابا ندارد و حتی تهدید به از بین بردن یک تمدن چند هزار ساله را مطرح می‌سازد یا اینکه حاضر است به تعبیر خودش «برای تفریح و سرگرمی» مرتکب جنایت غیر انسانی شود.

در چنین فضایی که اکثر ملت‌ها موضع‌گیری در محکومیت جنایات آمریکا و اسرائیل داشته‌اند، به طور طبیعی از حقوق‌دانان بین‌المللی و فعالان حقوق بشر در سراسر دنیا انتظار بیشتری می‌رفت که واکنش جدی نشان دهند چرا که این افراد بهتر ابعاد نقض حقوق بین‌الملل و حقوق بشر را درک می‌کنند فلذا هر گونه سکوت یا همراهی آنها با جنایتکاران امری غیر قابل قبول و شایسته نکوهش تلقی می‌شود.

در پاسخ به انتظار منطقی یاد شده، برخی از حقوق‌دانان بین‌المللی یا اساتید و کارشناسان فعال حقوقی در سطح جهانی واکنش‌های مناسبی داشتند و محتواهای قابل قبولی را منتشر کردند. اما بعضی افراد متأسفانه به هر علت و انگیزه‌ای سکوت پیشه کرده و مطلبی مفید را بازتاب ندادند. گروه سوم به بیان مطالب دو پهلو و مبهم و بی‌خاصیت رو آوردند و نهایتاً گروهی نیز در خدمت متجاوزان قرار گرفته و تلاش کردند تا با آسمان و زمین به هم بافتن جنایات آشکار متجاوزان را توجیه کرده یا کمرنگ جلوه دهند. در بسیاری از متون منتشره فعالان حقوقی در مغرب زمین این پدیده نیز مشهود بود که اگر چند مطلب مثبت علیه تجاوز به ایران گفته‌اند از بیان برخی مطالب منفی علیه ایران نیز با عبارت‌های متنوع دریغ نورزیده‌اند.

برای آنکه مخاطبان ایرانی بهتر مطلع شوند که کدام حقوق‌دانان و با چه کیفیت فنی و حقوقی و در چه منابع تخصصی موضع‌گیری شفاف‌تری در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به ایران داشتند، امور پژوهشی کمیسیون مناسب دانست که اولاً

بررسی دقیقی در خصوص متون منتشره زیربط داشته باشد و موارد در خور توجه را گردآوری نماید. ثانیاً مصادیق برجسته را انتخاب و به فارسی برگردان نماید و در دسترس مخاطبان فارسی زبان قرار دهد.

گزارش حاضر یکی از سلسله گزارشاتی است که به معرفی آثار مورد اشاره اختصاص یافته است.

مقاله ای که در گزارش حاضر معرفی شده ظاهراً از سوی یکی از حقوقدانان بین المللی کشمیر هند تقریر شده است. این مقاله یکی از اولین نوشتارهای مربوط به جنگ رمضان است که در سطح فراملی از منظر حقوق بین الملل نگاشته شد. نویسنده اگرچه در عنوان نوشتار و هم چنین در برخی از عبارت های داخلی متن، خیلی صریح موضع خود در مورد غیر قانونی بودن تجاوز به ایران را اعلام کرده است ولی در بخش های عمده متن سعی کرده بیطرفانه مروری بر موازین بین المللی مربوط به کاربرد زور و موازین حاکم بر مخاصمات داشته و مخاطب را مختار بگذارد که خود عملکرد طرفین جنگ علیه ایران را از حیث حقوقی ارزیابی نماید. نویسنده در کل متن تعدد داشته که از واژه قانونیت یا قانونی بودن (legality) و نه مشروعیت (legitimacy) به عنوان معیار کلی تطبیق عملکرد انجام شده با حقوق بین الملل استفاده کند. ممکن است برخی بگویند این امر با قصد خاصی انجام شده است و توجیهات حقوقی زیربط را مطرح کنند یا عده ای بگویند که در این متن نویسنده قانونیت را به معنای مشروعیت بکار برده است. در ترجمه حاضر عین واژه بکار رفته توسط نویسنده حفظ شد.

امور پژوهشی کمیسیون لازم می داند پیشاپیش این مهم را مورد تاکید قرار دهد که نظرات تخصصی ارائه شده از سوی هر نویسنده از جمله مولف مقاله حاضر، دیدگاههای شخصی خود اوست و ترجمه و انتشار دیدگاهها به معنای تأیید همه مطالب آنها نیست بلکه فرصتی فراهم می آورد که جامعه علمی یا مسئولان سیاستگذاران کشور با اشراف به نظرات مطرح شده در سطح جهانی تحرک عالمانه تری از خود نشان دهند. با وجود نکته یاد شده، در متن پیش رو، حسب ضرورت، امور پژوهشی کمیسیون توضیحاتی در زیر نویس درج یا کلماتی را داخل براکت [] در متن افزود یا معادل انگلیسی برخی کلمات را در زیر نویس قید کرد تا بهره برداری از متن دقیق تر انجام پذیرد. نقد و ارزیابی فنی و مستقل دیدگاههای حقوقی مطرح شده در خصوص تجاوز به ایران مجال موسعی می طلبد که جداگانه باید انجام شود.

با امید به اینکه ارتقای آگاهی های عمومی در خصوص ابعاد حقوقی تجاوز به کشورمان، موجبات تقویت حساسیت ها برای پیشبرد حقوق انسانی و ملی را فراهم سازد و همه بیش از گذشته تلاش کنیم که ظرفیت های ملی و جهانی را در خدمت اجرای عدالت و پاسخگو کردن جنایتکاران قرار دهیم، متن گزارش تهیه شده به شرح آتی تقدیم میشود.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران/ فروردین ۱۴۰۵

♦ نویسنده: محمد یاسر باهات، دانش پژوه حقوق در جامو و کشمیر هند

♦ مجری برگردان انگلیسی به فارسی: خانم محدثه نخودچی، دانش پژوه دکترای حقوق بین الملل و همیار افتخاری کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

♦ ویرایش و نهایی سازی متن در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، فروردین ۱۴۰۵

♦ ماخذ: سامانه SSRN Elibrary ، ۱۵ مارس ۲۰۲۶ برابر با ۲۴ اسفند ۱۴۰۴ شمسی

SSRN: <https://ssrn.com/abstract=6635698> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.6635698>

♦ شناسه متن: ۰۵/۱/۱۰۲

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر ماخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

امور پژوهشی کمیسیون از هر گونه نظر و پیشنهاد مخاطبان ارجمند به ویژه صاحب نظران و کارشناسان محترم در راستای ارتقای تلاش ها استقبال می کند. مشارکت در فعالیت های عام المنفعه نیز برای همه میسر است.

www.ihrc.ir

متن مقاله:

جنگِ وِرایِ [هر گونه] مجوز [حقوقی]:

حقوق بین‌الملل و [ارزیابی میزان] قانونی بودن مخاصمه [مسلحانه علیه] ایران در سال ۲۰۲۶

نخست: مقدمه

نظم حقوقی بین‌المللی معاصر بر یک ممنوعیت اساسی استوار است: استفاده از زور توسط یک کشور علیه کشور دیگر عموماً غیرقانونی است، مگر در شرایط کاملاً تعریف شده. تشدید اخیر مخاصمات پیرامون ایران در سال ۲۰۲۶ بار دیگر این اصل را مورد توجه قرار داده است. حملات نظامی که تأسیسات راهبردی و هسته‌ای ایران را هدف قرار داده و به دنبال آن حملات موشکی و پهپادی تلافی‌جویانه در سراسر منطقه، یک رقابت ژئوپلیتیکی دیرینه را به یک درگیری مسلحانه آشکار با پیامدهای منطقه‌ای و جهانی قابل توجه تبدیل کرده است. این رویدادها بحث‌های شدیدی را در میان محققان و سیاست‌گذاران در مورد [ممنوعیت] قانونی بودن اقدام نظامی یکجانبه از منظر حقوق بین‌الملل و محدودیت‌های دولت‌ها در دفاع از خود احیا کرده است. ممنوعیت استفاده از زور در بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد گنجانده شده است که کشورها را ملزم به خودداری از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری می‌کند. تنها دو استثنای اصلی در این چارچوب وجود دارد: اقدام جمعی مجاز توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد، و حق ذاتی دفاع از خود که طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل به رسمیت شناخته شده است. بنابراین، در غیاب مجوز شورای امنیت، قانونی بودن عملیات نظامی باید در درجه اول از طریق دکرین دفاع از خود و "اصول مرتبط با ضرورت، تناسب و فوریت"^۲ ارزیابی شود. مخاصمه [مسلحانه علیه] ایران در سال ۲۰۲۶ یک معضل حقوقی پیچیده را نشان می‌دهد. طرفداران حملات اولیه استدلال می‌کنند که این حملات به عنوان اقدامات

^۱. legality

^۲. principles of necessity, proportionality, and immediacy

پیشگیرانه علیه تهدید قریب الوقوع ناشی از گسترش قابلیت‌های نظامی ایران و جاه‌طلبی‌های ادعایی هسته‌ای توجیه شده‌اند. با این حال، منتقدان ادعا می‌کنند که این حملات نشان‌دهنده استفاده غیرقانونی از زور است که هنجارهای اساسی نظام حقوقی بین‌المللی را تضعیف می‌کند. تشدید و تصاعد [درگیری] ناشی از آن، نگرانی‌های جدی را نیز از زاویه حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به ویژه در مورد حفاظت از جمعیت غیرنظامی و زیرساخت‌های حیاتی در طول درگیری مسلحانه، ایجاد کرده است. این مقاله استدلال می‌کند که مخاصمه [مسلحانه علیه] ایران در سال ۲۰۲۶، تنش‌های قابل توجهی را بین دکترین‌های امنیتی در حال تحول و چارچوب قانونی حاکم بر استفاده از زور آشکار می‌کند. [در مقاله] اظهار می‌شود که قانونی بودن اقدامات نظامی انجام شده توسط طرفین همچنان به شدت مورد بحث است و شکنندگی رو به رشد نظم حقوقی بین‌المللی را نشان می‌دهد. ادامه مقاله به شرح زیر است:

بخش دوم [مقاله]، چارچوب حقوقی حاکم بر منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل بشردوستانه را تشریح می‌کند. بخش سوم [مقاله]، سوابق قضایی مرتبط و تفاسیر حقوقی بین‌المللی را بررسی می‌کند. بخش چهارم [مقاله]، قانونی بودن اقدامات انجام شده توسط طرفین دخیل در مخاصمه را به طور انتقادی ارزیابی می‌کند. این مقاله با ارائه اقداماتی برای تقویت پاسخگویی قانونی در مخاصمات مسلحانه آینده در بخش پنجم به پایان می‌رسد.

بخش دوم: معماری حقوقی جنگ: موازین حاکم بر استفاده از زور در حقوق بین‌الملل

معماری حقوقی حاکم بر جنگ بین کشورها ریشه در یک سیستم با دقت ساخته شده دارد که برای محدود کردن شرایطی که کشورها ممکن است به نیروی نظامی متوسل شوند، طراحی شده است. از پایان جنگ جهانی دوم، حقوق بین‌الملل در پی جایگزینی دکترین جنگ نامحدود، با یک نظم مبتنی بر قانون و مبتنی بر امنیت جمعی و پاسخگویی قانونی بوده است. اصول اساسی حاکم بر استفاده از زور در منشور سازمان ملل متحد تدوین شده است که با حقوق

بین‌الملل عرفی و هنجارهای بشردوستانه که از طریق معاهدات و تصمیمات قضایی تدوین شده‌اند، تکمیل گردیده است.

الف. اصل زیر بنایی : ممنوعیت استفاده از زور

ممنوعیت استفاده از زور، اصل زیربنایی حقوق بین‌الملل مدرن را تشکیل می‌دهد. بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد، کشورها را ملزم به خودداری از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشور دیگر می‌کند. این ماده برای جلوگیری از تکرار جنگ‌های گسترده بین دولتی، که از ویژگی‌های اوایل قرن بیستم بود، طراحی شده بود و از آن زمان به یکی از شناخته‌شده‌ترین هنجارهای نظام حقوقی بین‌المللی تبدیل شده است.

ماهیت الزام‌آور این ممنوعیت بارها در رویه قضایی بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته است. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی تاریخی خود در پرونده «فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در و علیه نیکاراگوئه» (نیکاراگوئه علیه ایالات متحده)^۳ تصریح کرد که ممنوعیت استفاده از زور بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی است و بنابراین برای همه کشورها الزام‌آور است. دیوان همچنین تصریح کرد که حتی آشکال غیرمستقیم مداخله نظامی - مانند حمایت از گروه‌های مسلح فعال در داخل یک کشور دیگر - ممکن است این قاعده اساسی را نقض کند.

ب. حق دفاع از خود: محدودیت‌ها، شرایط و آزمون‌های حقوقی

حق دفاع از خود، استثنای اصلی بر ممنوعیت کلی استفاده از زور است. ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، حق ذاتی دفاع از خود (فردی یا جمعی) را در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک کشور عضو به رسمیت می‌شناسد. با این حال، این حق نامحدود نیست. اعمال دفاع از خود باید الزامات حقوق بین‌الملل عرفی یعنی "ضرورت" و "تناسب" را مورد توجه قرار دهد، اصولی که از نظر تاریخی از تبادل دیپلماتیک معروف به ماجرای کارولین^۴ گرفته شده‌اند.

^۳. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v United States)

^۴. The diplomatic exchange known as the Caroline Affair

الزام "ضرورت" ایجاب می‌کند که استفاده از زور تنها وسیله معقول موجود برای دفع حمله مسلحانه باشد، در حالی که "تناسب" ایجاب می‌کند که مقیاس و شدت واکنش محدود به آنچه برای مقابله با تهدید لازم است، باقی بماند. این اصول به طور مداوم در رویه قضایی بین‌المللی تأیید شده‌اند. در پرونده سکوه‌های نفتی (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده)^۵، دیوان بین‌المللی دادگستری تأکید کرد که دولتی که به دفاع از خود متوسل می‌شود، باید هم وقوع حمله مسلحانه و هم ضرورت واکنش دفاعی را اثبات کند.

ج. امنیت جمعی: نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد

نظام امنیت جمعی که تحت منشور سازمان ملل متحد ایجاد شده است، نقش محوری را به شورای امنیت سازمان ملل متحد در صدور مجوز استفاده قانونی از زور اختصاص می‌دهد. هنگامی که شورای امنیت تشخیص دهد که وضعیتی تهدید برای صلح و امنیت بین‌المللی است، می‌تواند به کشورهای عضو اجازه دهد تا طبق فصل هفتم منشور، اقدامات نظامی انجام دهند. این سازوکار منعکس کننده هدف گسترده‌تر نظم حقوقی پس از ۱۹۴۵ است: "جایگزینی اقدام نظامی یکجانبه با تصمیم‌گیری جمعی." با این حال، در عمل، اختلافات سیاسی درون شورای امنیت اغلب اثربخشی این نظام را محدود کرده است، به ویژه در موقعیت‌هایی که شامل درگیری‌های ژئوپلیتیکی عمده است.

د. از حقوق توسل به زور تا حقوق حاکم بر مخاصمات؟ حقوق بشردوستانه حاکم بر درگیری‌های

مسلحانه

^۵. Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States)

^۶. JUS AD BELLUM

^۷. JUS IN BELLO

به محض شروع درگیری مسلحانه، تحلیل حقوقی از قواعد حاکم بر توسل به زور (حقوق توسل به زور)^۸ به قواعد بشردوستانه حاکم بر انجام مخاصمات (حقوق حاکم در دوران جنگ) تغییر می‌کند. این حمایت‌ها عمدتاً در کنوانسیون‌های ژنو [۱۹۴۹] و پروتکل‌های الحاقی آنها تدوین شده‌اند. حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر اساس چندین اصل اساسی بنا شده است. اصل تفکیک/ تمایز؛ طرفین را ملزم می‌کند که بین جمعیت غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شوند، در حالی که اصل تناسب؛^۹ حملاتی را که انتظار می‌رود باعث آسیب بیش از حد به غیرنظامیان نسبت به مزیت نظامی پیش‌بینی شده شود، ممنوع می‌کند. علاوه بر این، اصل ضرورت نظامی^{۱۰} فقط اقداماتی را که برای دستیابی به اهداف نظامی مشروع لازم است، مجاز می‌داند. این قواعد در کنار هم، به دنبال کاهش پیامدهای بشردوستانه درگیری‌های مسلحانه و اطمینان از این هستند که حتی در طول جنگ، برخی از حمایت‌های اساسی دست‌نخورده باقی بمانند. این استانداردهای حقوقی، چارچوبی را تشکیل می‌دهند که از طریق آن باید قانونی بودن اقدامات انجام شده در طول مخاصمه^{۱۱} [مسلحانه علیه] ایران در سال ۲۰۲۶ ارزیابی شود.

بخش سوم: راهنمای قضایی در مورد استفاده از زور: تفسیر مرزهای دفاع مشروع

در حالی که مفاد معاهدات، چارچوب قانونی رسمی حاکم بر استفاده از زور را فراهم می‌کنند، تفسیر قضایی نقش تعیین‌کننده‌ای در روشن کردن چگونگی اعمال این موازین در عمل داشته است. بارها از دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی خواسته شده است تا دامنه دفاع از خود، آستانه حمله مسلحانه و معیارهای اثباتی مورد نیاز برای توجیه اقدام نظامی را

^۸. در ادبیات تخصصی حقوق بین‌الملل، حقوق توسل به زور را به عنوان مجموعه موازینی که مشروعیت یا عدم مشروعیت توسل به جنگ را براساس آن موازین باید سنجید نیز معرفی می‌کنند. (توضیح افزوده بر متن در کمیسیون)

^۹. The principle of distinction

^{۱۰}. The principle of proportionality

^{۱۱}. The principle of military necessity

تفسیر کنند. این نهادها از طریق تصمیمات خود، به تدریج درک معاصر از استفاده‌های قانونی و غیرقانونی از زور را شکل داده‌اند.

الف. تعریف حمله مسلحانه: آستانه قضایی برای دفاع مشروع

تعریف آنچه حمله مسلحانه را تشکیل می‌دهد، یکی از مهمترین وظایف دادگاه‌های بین‌المللی بوده است. در پرونده مهم فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه (نیکاراگوئه علیه ایالات متحده)، دیوان بین‌المللی دادگستری تصریح کرد که هر گونه استفاده از زور، حمله مسلحانه‌ای که قادر به ایجاد حق دفاع مشروع باشد، محسوب نمی‌شود. دیوان بین‌المللی دادگستری آشکارا استفاده از زور، که حملات مسلحانه را تشکیل می‌دهند، و آشکارا خفیف‌تر مداخله که ممکن است همچنان ناقض موازین بین‌المللی باشند اما پاسخ نظامی را توجیه نمی‌کنند، تمایز قائل شد. این تمایز همچنان در مباحث معاصر پیرامون اقدامات نظامی پیشگیرانه و تلافی جویانه،^{۱۲} محوریت دارد. این حکم همچنین تأیید کرد که حمایت غیرمستقیم از گروه‌های مسلح فعال در داخل کشور دیگر، مانند تأمین مالی، آموزش یا تأمین سلاح، حتی اگر به آستانه حمله مسلحانه نرسد، ممکن است مداخله غیرقانونی^{۱۴} محسوب شود.

ب. ارزیابی ضرورت و تناسب: محدودیت‌های نیروی دفاعی

این الزام که نیروی دفاع از خود باید ضروری و متناسب باشد، به طور مداوم در رویه قضایی بین‌المللی مورد تأیید مجدد قرار گرفته است. در پرونده سکوهای نفتی (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده)، دیوان بین‌المللی دادگستری بررسی کرد که آیا حملات ایالات متحده به سکوهای نفتی ایران در جریان درگیری نفتکش‌ها در دهه ۱۹۸۰ می‌تواند به عنوان اقدامات دفاع از خود توجیه شود یا خیر. دیوان به این نتیجه رسید که شواهد ارائه شده به

^{۱۲} Armed attacks

^{۱۳} preventive and retaliatory military actions

^{۱۴} unlawful intervention

اندازه کافی نشان نمی‌دهد که این حملات پاسخ‌های ضروری به یک حمله مسلحانه منتسب به ایران بوده‌اند. علاوه بر این، مقیاس اقدام نظامی با تهدید ادعایی نامتناسب تلقی شد. بنابراین، این حکم این اصل را تقویت کرد که کشورهایی که به دفاع از خود متوسل می‌شوند باید شواهد معتبری ارائه دهند که هم وجود یک حمله مسلحانه و هم تناسب پاسخ آنها را نشان دهد.

ج. انتساب و مسئولیت دولت در مخاصمات مسلحانه

یکی دیگر از مسائل تکراری در دعاوی بین‌المللی مربوط به انتساب^{۱۵} حملات مسلحانه به یک دولت خاص است. در پرونده اعمال کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل‌کشی (بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو)^{۱۶} دیوان بین‌المللی دادگستری آزمون‌های حقوقی سختگیرانه‌ای را که برای انتساب اقدامات گروه‌های مسلح غیردولتی به یک دولت لازم است، روشن کرد. دیوان رأی داد که انتساب، مستلزم اثبات کنترل مؤثر اعمال شده توسط دولت بر عملیات خاص مورد نظر است. این استاندارد شرایطی را که یک دولت می‌تواند به طور قانونی در برابر دولت دیگری برای اقدامات انجام شده توسط بازیگران غیردولتی ادعای دفاع از خود کند، به طور قابل توجهی محدود می‌کند.

د. سوابق [رویه] قضایی و بحث معاصر در مورد نیروی پیشگیرانه

این رویه‌های قضایی در کنار هم، رویکرد محتاطانه دادگاه‌های بین‌المللی را هنگام ارزیابی ادعاهای دفاع از خود نشان می‌دهند. رویه قضایی همواره تأکید می‌کند که حق استفاده از زور باید به طور محدود تفسیر شود تا تمامیت نظم حقوقی بین‌المللی حفظ شود. این اصول حقوقی به ویژه هنگام تحلیل مخاصمه [مسلحانه علیه] ایران در سال ۲۰۲۶،

^{۱۵}The attribution

^{۱۶}The case of Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnia and Herzegovina v Serbia and Montenegro)

^{۱۷}Effective control

جایی که ادعاهای رقابتی امنیت، بازدارندگی و دفاع پیشگیرانه توسط طرف‌های مختلف مطرح شده است، مرتبط هستند.

بخش چهارم) [ارزیابی میزان] قانونی بودن مخاصمه [مسلحانه علیه] ایران در سال ۲۰۲۶: ارزیابی

انتقادی از منظر حقوق بین‌الملل

چارچوب حقوقی و رویه‌های قضایی مورد بحث در بخش‌های قبلی، استانداردهای هنجاری را ارائه می‌دهند که از طریق آنها باید قانونی بودن مخاصمه [مسلحانه علیه] ایران در سال ۲۰۲۶ ارزیابی شود. در قلب این مناقشه، این سوال نهفته است که آیا حملات نظامی اولیه علیه ایران می‌تواند تحت دکترین دفاع از خود توجیه شود یا اینکه آنها استفاده غیرقانونی از زور در نقض حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند. ارزیابی این موضوع مستلزم بررسی دقیق سه عنصر کلیدی است: وجود یک حمله مسلحانه، الزامات ضرورت و تناسب، و انجام خصومت‌ها با رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه.

الف. حملات نظامی اولیه^{۱۸} اقدام پیشگیرانه یا استفاده غیرقانونی از زور؟

برخی از مفسران از حملات نظامی اولیه که تأسیسات راهبردی ایران را هدف قرار داده بودند، به عنوان اقدامات پیشگیرانه با هدف خنثی‌سازی یک تهدید امنیتی نوظهور دفاع کرده‌اند. طرفداران این موضع استدلال می‌کنند که گسترش قابلیت‌های نظامی و جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ادعایی ایران، وضعیتی را ایجاد کرده است که در آن اقدام فوری برای جلوگیری از حمله مسلحانه در آینده ضروری است. بر اساس این دیدگاه، الزام سنتی مبنی بر اینکه حمله مسلحانه باید قبل از توسل به دفاع از خود رخ دهد، باید در چارچوب تهدیدات امنیتی مدرن به صورت انعطاف‌پذیر تفسیر شود. با این حال، این تفسیر همچنان در حقوق بین‌الملل بسیار بحث‌برانگیز است. ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد به

^{۱۸}The Initial Military Strikes

صراحت حق دفاع از خود را فقط «در صورت وقوع حمله مسلحانه» به رسمیت می‌شناسد. بنابراین، بسیاری از محققان استدلال می‌کنند که حملات نظامی پیشگیرانه یا پیش‌دستانه که بدون شواهدی از حمله قریب‌الوقوع انجام می‌شوند، خارج از محدوده دفاع مشروع قانونی هستند. رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری عموماً از تفسیر محدودکننده این حق حمایت کرده و تأکید دارد که آستانه استناد به مرز دفاع مشروع باید باقی بماند تا تمامیت ممنوعیت توسل به زور حفظ شود.

از این منظر، قانونی بودن حملات اولیه تا حد زیادی به این بستگی دارد که آیا کشور حمله‌کننده می‌تواند ثابت کند که ایران تهدیدی قریب‌الوقوع و اجتناب‌ناپذیر بوده است یا خیر. در غیاب شواهد روشن از چنین حمله قریب‌الوقوعی، استفاده از زور می‌تواند به عنوان یک عمل تجاوز غیرقانونی طبق حقوق بین‌الملل توصیف شود.

ب. ضرورت و تناسب در استفاده از نیروی دفاعی^{۱۹}

حتی اگر توسل اولیه به زور بتواند تحت دکترین دفاع از خود توجیه شود، حقوق بین‌الملل ایجاب می‌کند که پاسخ، شرایط ضرورت و تناسب را برآورده کند. این اصول تضمین می‌کنند که اقدامات دفاعی محدود به آنچه برای دفع یا جلوگیری از حمله مسلحانه لازم است، باقی بمانند. الزام "ضرورت" ایجاب می‌کند که اقدام نظامی تنها زمانی انجام شود که هیچ جایگزین معقولی - مانند مذاکره دیپلماتیک، تحریم‌ها یا میانجیگری بین‌المللی - در دسترس نباشد. منتقدان حملات ۲۰۲۶ استدلال می‌کنند که کانال‌های دیپلماتیک به طور کامل مورد استفاده قرار نگرفته بودند و سازوکارهای چندجانبه، از جمله تعامل از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد، هنوز در دسترس بودند. اگر در زمان حملات، جایگزین‌های صلح‌آمیز معتبری وجود داشت، ممکن است الزام "ضرورت" برآورده نشده باشد. به طور مشابه، اصل "تناسب"، مقیاس و شدت اقدام دفاعی را محدود می‌کند. پاسخی که باعث تخریب گسترده شود یا

^{۱۹} Defensive Force

زیرساخت‌های غیرمرتبط با تهدید ادعایی را هدف قرار دهد، ممکن است نامتناسب تلقی شود. گزارش‌هایی که حاکی از خسارات گسترده به زیرساخت‌های غیرنظامی و تأسیسات راهبردی فراتر از اهداف نظامی مستقیم است، پرسش‌های بیشتری را در مورد قانونی بودن این عملیات مطرح می‌کند.

ج. انجام درگیری‌های مسلحانه و حقوق بشردوستانه بین‌المللی

پس از شروع درگیری مسلحانه، انجام درگیری‌ها باید مطابق با قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه باشد. صرف‌نظر از قانونی بودن [یا نبودن] توسل اولیه به زور، حمایت‌های مندرج در کنوانسیون‌های ژنو [۱۹۴۹]، تعهدات الزام‌آوری را بر همه طرفین درگیری مسلحانه تحمیل می‌کند. در میان این تعهدات، اصل "تفکیک" اهمیت دارد که طرفین را ملزم می‌کند در همه زمان‌ها بین جمعیت غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شوند. حملات عمدی علیه غیرنظامیان یا زیرساخت‌های غیرنظامی، نقض جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌شود و ممکن است به جرایم جنگی منجر شود. علاوه بر این، اصل تناسب، حملاتی را که انتظار می‌رود باعث آسیب تصادفی به غیرنظامیان شود و در مقایسه با مزیت نظامی پیش‌بینی‌شده، بیش از حد باشد، ممنوع می‌کند. بنابراین، ادعاهایی مبنی بر اینکه درگیری [ناشی از تجاوز به ایران] منجر به تلفات قابل توجه غیرنظامیان و خسارت به مناطق مسکونی، بیمارستان‌ها و زیرساخت‌های ضروری شده است، نگرانی‌های حقوقی جدی را ایجاد می‌کند. اگر ثابت شود که چنین اقداماتی عمدی یا بی‌ملاحظه رخ داده است، ممکن است مسئولیت کیفری فردی را تحت حقوق بین‌الملل کیفری، به طور بالقوه در برابر نهادهایی مانند دادگاه کیفری بین‌المللی، ایجاد کند.

د. تشدید [جنگ]، تلافی جویی و خطر برای نظم حقوقی بین‌المللی

تشدید سریع درگیری‌های مسلحانه پس از حملات اولیه، خطرات گسترده‌تر مرتبط با اقدام نظامی یکجانبه را نشان می‌دهد. حملات تلافی جویانه‌ای که در پاسخ به حملات انجام شده، درگیری را فراتر از دامنه اصلی آن گسترش داده

و خطر رویارویی منطقه‌ای گسترده‌تر را افزایش داده است. چنین چرخه‌هایی از تشدید[جنگ]، چارچوب امنیت جمعی ایجاد شده توسط منشور سازمان ملل متحد را مضمحل می‌کند و اقتدار حقوق بین‌الملل را به عنوان سازوکاری برای حفظ صلح و امنیت جهانی تضعیف می‌نماید. در نهایت، قانونی بودن مخاصمه [مسلحانه علیه] ایران در سال ۲۰۲۶ همچنان عمیقاً مورد مناقشه است. ادعاهای رقیب [با عناوینی چون] دفاع پیشگیرانه، بازدارندگی راهبردی و حمایت بشردوستانه، دشواری اعمال دکترین‌های حقوقی سنتی را در درگیری‌های ژئوپلیتیکی مدرن نشان می‌دهد.

بخش پنجم: نتیجه‌گیری

تنظیم گری جنگ بین کشورها همچنان یکی از مهمترین دستاوردهای حقوق بین‌الملل مدرن است. ممنوعیت استفاده از زور، که تحت منشور سازمان ملل متحد وضع شده، برای جلوگیری از اقدام نظامی یکجانبه و ارتقای نظام امنیت جمعی که قادر به حفظ صلح و ثبات بین‌المللی باشد، طراحی گردیده است. با این حال، همانطور که مخاصمه [مسلحانه علیه] ایران در سال ۲۰۲۶ نشان می‌دهد، اعمال این اصول همچنان در زمینه تنش‌های ژئوپلیتیکی معاصر با چالش‌های عمیقی روبرو است.

این مقاله چارچوب قانونی حاکم بر استفاده از زور، تفاسیر قضایی که معنای آن را شکل داده‌اند و سوالات حقوقی پیچیده‌ای که با تشدید درگیری‌های مسلحانه مربوط به ایران مطرح شده‌اند را بررسی کرده است. این تحلیل نشان می‌دهد که قانونی بودن اقدام نظامی از منظر حقوق بین‌الملل به رعایت دقیق شرایط حاکم بر دفاع از خود بستگی دارد. الزام وقوع حمله مسلحانه، همراه با اصول ضرورت و تناسب، به عنوان یک ضمانت حیاتی در برابر استفاده خودسرانه یا بیش از حد از زور عمل می‌کند. مناقشات پیرامون درگیری مسلحانه ۲۰۲۶، شکنندگی این ضمانت‌ها را برجسته می‌کند. وقتی دولت‌ها حق دفاع از خود را به طور گسترده تفسیر می‌کنند، به ویژه در چارچوب اقدام نظامی

پیشگیرانه یا پیش‌دستانه^۲، مرز بین دفاع قانونی و تجاوز غیرقانونی به طور فزاینده‌ای مبهم می‌شود. چنین تحولاتی خطر تضعیف نیروی هنجاری بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد و از بین بردن ثبات نظم حقوقی بین‌المللی را به همراه دارد.

برای اینکه حقوق بین‌الملل، مؤثر باقی بماند، قوانین بنیادی حاکم بر استفاده از زور باید به طور مداوم تفسیر و با دقت اعمال شوند. بنابراین، باید تأکید بیشتری بر تقویت سازوکارهای پاسخگویی قانونی، بهبود شفافیت توجیهات دولت برای اقدام نظامی و تقویت پابندی به تعهدات بشردوستانه در طول مخاصمات مسلحانه انجام شود. این اقدامات نه تنها برای حفاظت از جمعیت غیرنظامی، بلکه برای حفظ اعتبار حقوق بین‌الملل به عنوان سیستمی که قادر به تنظیم رفتار دولت‌ها در مواقع بحرانی است، ضروری می‌نماید.

در نهایت، اهمیت پایدار چارچوب حقوقی حاکم بر استفاده از زور به تمایل دولت‌ها برای رعایت محدودیت‌های آن بستگی دارد. وقایع سال ۲۰۲۶ یادآوری قدرتمندی است که حفظ صلح بین‌المللی نه تنها مستلزم خویشن‌داری سیاسی، بلکه تعهد تزلزل‌ناپذیر به حاکمیت قانون است.

^۲: Preventive or anticipatory military action

« منابع »

معاهدات و اسناد:

منشور ملل متحد

کنوانسیون های ژنو

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی

پرونده های قضایی در مراجع قضایی بین المللی

اعمال کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم نسل کشی (بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته نگرو)، [۲۰۰۷]، دیوان

بین المللی داد گستری

فعالیت های نظامی و شبه نظامی در و علیه نیکاراگوئه (نیکاراگوئه علیه ایالات متحده)، [۱۹۸۶]، دیوان بین المللی

داد گستری

سکوها های نفتی (جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده)، [۲۰۰۳]، دیوان بین المللی داد گستری

کتاب ها:

Brownlie I، International Law and the Use of Force by States (Oxford University Press ،۱۹۶۳).

Dinstein Y، The Conduct of Hostilities under the Law of International Armed Conflict (3rd edn، Cambridge University Press، 2016).

Dinstein Y، War، Aggression and Self-Defence (Cambridge University Press، 2021).

Gray C, International Law and the Use of Force (4th edn, Oxford University Press ۲۰۱۸).

Shaw MN, International Law (9th edn, Cambridge University Press 2021).

مقالات مجلات:

O'Connell ME, The Myth of Pre-emptive Self-Defence, (2002) 1 American Society of International Law Task Force Papers.

Schmitt MN, Preemptive Strategies in International Law, (2003) 24 Michigan Journal of International Law 513.

گزارشات و انتشارات نهادها:

The Escalation of Conflict in the Middle East (ICG, International Crisis Group Briefing 2026).

